

متن پیاده سازی شده جلسه دوم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 17 مهر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در مورد قاعده لطف بود ؛ عرض شد که عقل اقتضائی برای قاعده لطف نمی بیند و نمی شود با این قاعده مدعای اصولی را ثابت کرد.

محقق نراقی در کتاب عوائد الایام : ایشان بر قاعده لطف اشکال می گیرد.

بیان محقق نراقی: حضرات اصولی ها با قاعده لطف چه چیزی را می خواهند ثابت کنند؟ اگر مقصودشان این است که لطف

واقعی بر خدا ثابت است (لطیف بودن ، حکیم بودن خدا) این را ما قبول داریم ؛ اما اگر طرفداران لطف بگویند ما کان لطفاً

بحسب علمنا ... بر خدا ثابت است ما سوال می کنیم این ادعا چه برهانی دارد؟

اگر امت به خطا رفتند اگر بگویند لطف بحسب واقع مراد است می گوئیم دلیلتان چیست؟ اگر بگویند بحسب علمنا لطف لازم

است این هم باز نیاز به دلیل دارد.

ایشان هم با این بیان، عرصه را بر قاعده لطف تنگ می کند ایشان با این بیان عرصه را بر اصولیین و کلامیین تنگ می کند.

استاد: به نظر ما کلام آقای نراقی بی مهری به عقل است ؛ عقل برخی گزاره ها را درک می کند مثل لزوم بعث رسل ، انزال کتب

، عقاب بلا بیان و... و این امور از مصادیق لطف است.

استاد: ما قاعده لطف را در بحث اصولی نمی پذیریم اما مرحوم نراقی در کلام هم نمی پذیرد.

قاعده لطف از منظر روایات

1- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى عَنْ ابْنِ سِنَانَ وَ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَدَعْ الْأَرْضَ إِلَّا وَ فِيهَا عَالِمٌ يَعْلَمُ الزِّيَادَةَ وَ النُّقْصَانَ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئاً رَدَّهُمْ وَ إِذَا نَقَصُوا أَكْمَلَهُ لَهُمْ فَقَالَ خُذُوهُ كَامِلاً وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَأَلْتَبَسَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَمْرُهُمْ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج 1 ؛ ص 331

مفاد روایت: زمین خالی از عالم نیست در زمین عالمی است که زیاده و نقصان را می داند (مراد زیاده و نقصان در دین است

) اگر مومنین و فقهاء اشتباه کنند( مثلاً از حرامی غفلت کنند یا واجبی را ترک کنند)

از اشتباه آنها جلوگیری می کند اگر حق و باطل با هم مشتبه شوند عالم آنها را راهنمایی می کند.

از این روایت فهمیده می شود که اگر فقهاء اشتباه کنند امام (علیه السلام) آنها را راهنمایی می کند.

روایت دوم:

1- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَبِيعِ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُسْلِمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْعَامِرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا زَالَتْ الْأَرْضُ إِلَّا وَ لِلَّهِ الْحُجَّةُ يَعْرِفُ الْحَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَنْقُطُ الْحُجَّةُ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعِينَ يَوْماً قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا رُفِعَتِ الْحُجَّةُ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ وَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْفَعَ الْحُجَّةُ أُولَئِكَ شِرَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ وَ هُمُ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ تَقْوَمُ الْقِيَامَةُ.

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم ؛ ج 1 ؛ ص 484

مفاد روایت: این روایت شامل عصر حضور و غیبت می شود و همچنین فقره يعرف الحلال و الحرام می فهماند که اگر فقهاء به

خطا رفتند امام علیه السلام راهنمایی می کند .

طایفه سوم روایات

در برخی روایات آمده است: علینا القاء الاصول و علیکم التفریع ؛ در این روایت یک رسالتی بر عهده امام علیه السلام گذاشته شده است .

در برخی از روایات هم امام علیه السلام را وصف می کند:

الإمامُ البدرُ المنيرُ وَ السراجُ الزاهرُ وَ النورُ الساطعُ وَ النجمُ الهادي في غياهِبِ الدجى وَ البیدِ القفارِ وَ لَججِ البحارِ الإمامُ الماءُ العذبُ عَلَى الظمِّ وَ الدالُّ عَلَى الهدى وَ المنجى مِنَ الردى وَ الإمامُ النارُ عَلَى اليفاعِ الحارِّ لِمَنْ اصطلقَ بِهِ وَ الدليلُ فِي المَهالكِ مَنْ فارقَهُ فَهالكُ الإمامُ

از برخی از فقرات (النَّجْمُ الْهَادِي فِي غِيَاهِبِ الدُّجَى) روایت بر می آید که امام علیه السلام وظیفه دارد در مقابل اشتباه امت عکس العمل نشان دهد.

#### طایفه چهارم روایات

در مقبوله ابن حنظله امام علیه السلام در جایی که دو قاضی اختلاف کرده اند فرمود : نظر شود به مجمع علیه در بین اصحاب ؛ سپس امام علیه السلام فرمود (فان المجمع عليه لا ريب فيه) در هر جا معصوم نباشد احتمال خطا می رود پس معلوم می شود در اجماع هم امام علیه السلام دخالت می کند که حضرت فرمود لا ريب فيه

استاد علیدوست: عملا ما 4 دسته روایت را ذکر کردیم.

آیا خود این روایات متعارض نیستند؟ در یک روایت آمده است وظیفه ما فقط القاء اصول است یعنی ممکن است شما در مقام تفریع اشتباه کنید خلط کنید... این روایت نفی می کند کنترل امام علیه السلام را نسبت به خطای امت اما در روایات دیگر گفتیم امام وظیفه دارد حلال و حرام را بفهماند و... و لذا تعارض بین خود این روایات دیده می شود.

**و الحمد لله رب العالمين**